



معرفی های گزارشی

گزارشواره برخی از تازه های کتاب

«نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی»*

الباب الثاني: انواع الارتداد

الفصل الاول: تعريف الكفر والكافر وبيان الضوابط فيهما؛
الفصل الثاني: ردة الاعتقاد؛ الفصل الثالث: ردة الانكار
واستحلال في الفروع؛ الفصل الرابع: ردة الافعال؛ الفصل
الخامس: ردة الاقوال.

الباب الثالث: الاحكام العامة للمرتد

الفصل الاول: شروط الردة؛ الفصل الثاني: اقسام المرتد؛
الفصل الثالث: استتابة المرتد؛ الفصل الرابع: تكرار الارتداد؛
الفصل الخامس: حكم المرأة المرتدة.

الباب الرابع: الردة والاحكام الفردية

الفصل الاول: احكام الطهارة النجاسة الخبيثة للمرتد؛
الفصل الثاني: احكام الطهارة الحديثة للمرتد؛ الفصل الثالث:
تجهيز المرتد؛ الفصل الرابع: احكام الصلاة؛ الفصل الخامس:
احكام الصوم والاعتكاف؛ الفصل السادس: احكام الحج؛
الفصل السابع: احكام النذر؛ الفصل الثامن: احكام اليمين؛
الفصل التاسع: الارتداد واحكام الوصية؛ الفصل العاشر:
احكام الصيد والذباقة؛ الحادي عشر: احكام الكفارة.

جلد دوم

الباب الخامس: الردة والاحكام الشخصية

الفصل الاول: الارتداد واحكام النكاح؛ الفصل الثاني:
احكام الفرقة ولو احقها. الباب السادس: الردة واحكام
المعاملات والعقود والاموال.

الفصل الاول: حكم اموال المرتد وتصرفاته؛ الفصل
الثاني: الارتداد واحكام الميراث؛ الفصل الثالث: الارتداد

نشر پژوهشگاه از بدو تاسيس تاکنون توانسته است آثار قابل توجهی در موضوعات تخصصی و با استانداردهای علمی عرضه کند. تخصصی بودن کتابها که فراتر از پایان نامه های دکتری تخصصی است، کیفیت افزون تر چاپ، سعی در کاهش قیمت آثار تولیدی، در کنار سرعت دادن به عرضه، جزء اهدافی است که مسئولان پژوهشگاه و نشر تازه تاسيس شده آن پی می گیرند.

به منظور آشنایی بیشتر پژوهشگران حوزه های مختلف و مراکز علمی، آینه پژوهش (همانند برخی از شماره های پیشین) بر آن شد تا با اختصاص جایگاهی ویژه به آثار نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، به معرفی آنها بپردازد.

آینه پژوهش

◇ موسوعة احكام المرتد في الشريعة الاسلاميه (عربی)

حسين عليان اميني، تكميل: عبد الرسول هاديان؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده فقه و حقوق)، چاپ ۱، ۱۴۲۹ ق/ ۱۳۷۷ ش، ۲ جلد، ج ۱: ۵۷۶ ص، ج ۲: ۶۱۶ ص، وزيری.
کتاب حاضر که در دو مجلد و به زبان عربي نگاشته شده است، به تفصيل به بررسی مبحث ارتداد از منظر اسلامی می پردازد. جلد اول آن، در چهار باب، مباحث را نشان داده است بدین قرار:

جلد اول

الباب الاول: تعريف الردة والارتداد

الفصل الاول: معنى الردة والارتداد؛ الفصل الثاني: الارتداد في القرآن؛ الفصل الثالث: المرتدون في صدر الاسلام.

۱. این بخش به همت جناب آقای ابوالقاسم آرزومندی معرفی و تدوین شده است.

واحکام العقود؛ الفصل الرابع: الارتداد واحکام الخمس والزكاة. الباب السابع: الردة واحکام الجهاد وملك الايمان.

الفصل الاول: الارتداد واحکام الجهاد؛ الفصل الثاني: الارتداد واحکام السراري وملك الايمان. الباب الثامن: الارتداد واحکام القضاء والحقوق المدنية.

الفصل الاول: احکام القضاء والشهادة؛ الفصل الثاني: ثبوت الردة؛ الفصل الثالث: الارتداد واحکام الحدود والتعزيرات؛ الفصل الرابع: الارتداد واحکام الخبايات.

خاتمة

الفصل الاول: فلسفه تشريع العقوبة الشديدة للمرتد في الاسلام؛ الفصل الثاني: فلسفه التفصيل بين المرتد الملى والفطرى عند الامامية.

◀ مجموعة مقالات ندوة الاسلام والقانون الدولى الانسانى (عربى) ترجمه رعد حجاج؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى، چاپ ۱، ۱۴۳۰، ق/۲۰۰۹، م، ۲۲۸، ص، رقى.

کتاب حاضر مشتمل بر مقالات ذیل است:

حق الاستسار فى القانون الدولى الاسلامى على ضوء السنة النبوية، دکتر سيدمصطفى محقق داماد؛ العلاقة بين القانون الدولى الانسانى وحقوق الانسان، اردشير محمد ارجمند؛ حقوق الأسرى فى القانون الدولى والسلام دراسة تطبيقية، محمد ابراهيمى؛ القانون الدولى الانسانى فى سيرة الامام على (ع)، سيدعليرضا واسعى؛ الحادية والهدفية فى القانون الدولى الانسانى، حسن على على اكبريان؛ تطور القانون الدولى الانسانى فى اطار الرؤية الدولية المعاصرة، محمدرضا ضيائى بيگدلى.

◀ ديوان نقابت: پژوهشى درباره پيدائش و گسترش اوليه تشكيلات سرپرستى سادات

محمد هادى خالقي؛ چاپ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى (پژوهشگده تاريخ و سيره اهل بيت)، ۱۳۸۷، ش، ۳۲۰، ص، رقى.

نقابت به معنای سرپرستى، کفالت و رياست قوم و عهده داری مدیریت آنان در امور اجتماعى و ثبت و ضبط آمار و احوال شخصى آنان است و ديوان نقابت، بخشى از تشكيلات ديوان و از جمله سازمان هاى حكومتى عصر عباسى بود كه به كار سرپرستى خاندان پیامبر (بنی هاشم) و رتق و فتق امور آنان اختصاص داشت (ص ۱۵).

دریافت مقررى بنی هاشم از خزانه بيت المال و توزيع آن در

ميان آنان، عهده داری قضا و حسبه در بنی هاشم، حفظ انساب آنان، دفاع از حقوق آنان در ديوان ها و دادگاه ها، عهده داری اشتغال و تحصيل و ازدواج آنان، بخشى از وظيف نقيب بود. نقيب النقباء با حكم ویژه اى از سوى خليفه به اين نسبت، نصب مى گردید و نقيبى ديگر مناطق، از سوى او انتخاب مى شدند. هر نقيب براى تشكيلات تحت اداره خود، به استخدام نايب، كاتب، نسب شناس، خازن و ... مى پرداخت (ص ۱۵ و ۱۶).
نويسنده در كتاب حاضر، در پي پاسخ به چهار پرسش درباره ديوان نقابت بوده است:

۱. شكل گيرى ديوان نقابت، چگونه بود و چه زمينه هاى در اين فرايند مؤثر بودند؟ ۲. چنين ديوانى، از چه تشكيلات و جاىگاهى برخوردار بود؟ ۳. منشأ مشروعيت نقيب چه بود؟ ۴. چه وظيفى بر دوش نقيبى گذاشته مى شد؟
جستجوى پاسخ اين پرسش، مستلزم رجوع به پنج فصل است كه در اين كتاب، به اين قرار ترتيب يافته است:

فصل اول: كليات

اين فصل به كليات بحث پرداخته است؛ مانند روش تحقيق، دامنه تاريخى - جغرافيايى تحقيق، مفهوم شناسى تطبيقى نقابت و ارزيايى منابع. در ارزيايى منابع، به پيشينه تحقيق، منابع مطالعاتى و منابع تاريخى توجه شده است.

فصل دوم: تاريخچه

فصل دوم درباره مرحله شكل گيرى ديوان نقابت است. در اين فصل از بنيانگذاران ديوان نقابت و نخستين نقيبى ياد مى شود و نيز نويسنده از زمينه ها و عوامل پيدائش نهاد سخن مى گويد.

فصل سوم: جاىگاه و كارکرد سياسى و اجتماعى

فصل يادشده، درباره چهار عنوان بحث، بررسى و كاوش مى كند: ۱. نقابت و ديوان؛ ۲. انتخاب نقيب؛ ۳. شروط احراز منصب نقابت؛ ۴. وظيف نقيب.

فصل چهارم: تشكيلات (نقش ها، بخش ها و نمادها)

نويسنده در اين فصل به بيان سلسله مراتب و بخش ها و نمادهاى ديوان نقابت، مناسبات نقبا و خلفاى عباسى و مناسبات ديوان نقابت با ديگر ديوان ها مى پردازد. كارآمدى و منزلت نقبا، نقباى طالبى و نقباى عباسى، زنان و نقابت از ديگر مباحث اين فصل است.

فصل پنجم: برخى احكام صادرشده به نام نقبا و نگاهى به محتواى آنها در اين فصل، نمونه هاى از احكام نقابت يا مرتبط با نقابت، نقل و بازكاوى شده است. نويسنده دوازده نمونه از اين دست را بر مى شمرد.

آن واقعه، پر فروغ و روشن، راه و رسم چگونگی زیستن و مردن را می‌آموزد. هریک از مقالات کتاب حاضر، در واقع به برخی از ابعاد نهضت عاشورا می‌پردازد و پاره‌ای از زوایای این حادثه پر رمز و راز را روشن می‌کند. آنچه مسلم است، اینکه موقعیت‌شناسی و زمان‌شناسی آن سالار شهیدان اقتضا می‌کرد در این مسیر گام نهد و دشمنان کینه‌توز خاندان رسول خدا (ص) چنان عرصه را بر امام حسین (ع) تنگ کردند که او به ناچار، تن به مرگ سرخ، اما عزت آفرین و شورانگیز تا همیشه تاریخ سپرد؛ مرگی که از مرگ مسموخ اسلام پیشگیری کرد و مسلمانان غفلت زده و به خواب رفته را متوجه خطرهای بزرگی ساخت که پس از رحلت رسول خدا، کیان اسلام را تهدید می‌کرد.

◊ تربیت توحیدی و نقش آن در پی‌ریزی شخصیت اسلامی

شیخ حسین معن؛ ترجمه احمد ناظم، تحقیق سیدعلی‌رضا مددی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع)، چاپ ۱، ۱۳۸۷، ش، ۳۳۶، ص، رقعی.

اثر حاضر با مقدمه‌ای در زندگی نویسنده شهید کتاب آغاز می‌شود. زادگاه او یکی از روستاهای کربلاست. شهید معن در سال ۱۳۹۰ قمری به حزب «الدعوة الاسلامیه» پیوست و با وجود دشواری‌های زندگی مبارزاتی‌اش، با سختکوشی به مطالعه و پژوهش می‌پرداخت و در مدت اختفای خود، در مدت پنج ماه کتاب‌هایی تألیف کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از: الحریة فی الاسلام، العلاقة الفقهیه فی الاقتصاد الاسلامی و ...

شیخ حسین معن، سرانجام در راه آرمان‌های اسلامی خود به شهادت رسید.

مؤلف کتاب که خود، انسانی وارسته و مجاهد بوده است، تلاش کرده است راه و رسم بندگی و خودسازی را به خواننده نشان دهد؛ بدین منظور، پنج فصل را به سامان می‌رساند:

در فصل اول، به چیستی و چرایی آمادگی روحی و پرورش معنوی پرداخته شده است. در زمینه تربیت روحی، سه رویکرد مورد توجه قرار گرفته است: رویکرد صوفیانه که از نظر اسلامی محکوم و باطل است، دوم رویکرد فکری و سیاسی که بر جنبه بیداری فکری و عملی تأکید دارد و از تلاش برای ایجاد رابطه درونی با خداوند در میان مؤمنان و مجاهدان و ستم‌دیدگان غافل مانده است؛ سوم رویکرد جامع اسلام است که مورد پذیرش نویسنده قرار گرفته است. نویسنده در این فصل به مباحث دیگری هم توجه کرده است.

در فصل دوم به رابطه «ساحت اندیشه و منطق بندگی» پرداخته شده است. نویسنده، مراحل اعتقاد را تبیین می‌کند و

◊ نهضت عاشورا: جستارهای کلامی، سیاسی و فقهی

جمعی از محققان؛ چاپ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، ش، ۶۴۸، ص، وزیری.

کتاب حاضر مجموعه مقالاتی درباره عاشورا پژوهی از منظرهای کلامی، سیاسی و فقهی است. مجموعه مقالات در سه بخش سامان یافته است. عناوین هر بخش همراه نام نویسندگان هر مقاله عبارت‌اند از:

بخش اول: مقاله‌های کلامی

این بخش مشتمل بر شش مقاله است، به قرار زیر:

«بازخوانی نظریه‌های مهم درباره فلسفه قیام حسینی» (احمد مبلغی)، «معرفت خداوند در مشرب عرفانی امام حسین (ع)» (محمدباقر حیدری کاشانی)، «جلوه‌ای از عرفان حسینی» (محمدامین صادقی آرزگانی)، «دعا و مناجات از دیدگاه امام حسین (ع)» (محسن باغبان)، «معقولیت و وجه دینی مراسم عزاداری امام حسین (ع)» (محمدامین احمدی)، «مهدی و مهدویت از دیدگاه امام حسین (ع)» (محمدامین صادقی آرزگانی).

بخش دوم: مقاله‌های فقهی

بخش دوم، چنان که از عنوان آن پیداست، از منظری فقهی به عاشورا می‌پردازد و پنج مقاله را در خود جای داده است:

«نگاه فقهی و حقوقی به خروج امام حسین (ع)» (مصطفی میراحمدی زاده)، «ارزیابی فقهی قیام عاشورا» (سید نورالدین شریعتمدار جزایری)، «بررسی فقهی شرایط امر به معروف و نهی از منکر در قیام امام حسین (ع)» (محمد رحمانی زروندی)، «نقش قیام امام حسین (ع) در تقویت فقه مبارزه با طاغوت» (جواد فخار طوسی)، «مبانی فقهی عزاداری» (عباس کوثری).

بخش سوم: مقاله‌های سیاسی

«مشروعیت قیام امام حسین» (سیدسجاد ایزدهی)، «علل و عوامل سیاسی-اجتماعی قیام عاشورا» (ابوالفضل سلطان محمدی)، «اهل سنت؛ تعرض اولوا الامر با اولو الارحام در مواجهه با قیام امام حسین (ع)» (محمدحسن قدردان قراملکی)، «تأثیر عاشورا بر شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی» (مقصود رنجبر)، «مدل قیام عاشورا» (علی الهام).

حضرت سیدالشهداء (ع) صدها سال پیش حرکتی سترگ و ستودنی کرد که به ظاهر منجر به شکست و شهادت آن حضرت با همه یارانش و به اسارت رفتن بازماندگان خاندان آن حضرت شد؛ اما خون مقدسی که بر بیابان تفتیده کربلا جاری شد، بسان رودی جاری بود که شجره طیبه اسلام را سیراب ساخت و همچون مشعلی، هدایتگر انسان‌هایی گشت که تا قرن‌ها پس از

آنجا را تصرف کردند. این منطقه در قرن سوم از نظر سیاسی، تابع خراسان بود و امیرانی از سوی طاهریان خراسان برای اداره آن انتخاب می شدند؛ از جمله والیان طاهری، خاندان بومی سامانی بودند که بعد از برافتادن طاهریان از خراسان (۲۵۹ ق) توانستند حکومت مستقلی ایجاد کنند. در دولت سامانیان، ماورالنهر دوره ای پرشکوه را پشت سر گذاشت که در تبیین این دوره و اوضاع علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن آثار فراوانی تألیف شده است؛ اما به علت بی توجهی پژوهشگران به عصر پس از سقوط سامانیان، تاریخ فرهنگ و تمدن آن در این مقطع مبهم مانده و تألیف مستقلی درباره آن انجام نگرفته است.

این بی توجهی به گونه ای است که در نگاه بدوی تصور می شود پس از سقوط سامانیان، تمدن، فرهنگ و دانش متوقف شده است. این پژوهش در صدد است تصویری از زندگی اجتماعی و جریان فرهنگ و تمدن این عصر تا آمدن مغولان ارائه کند. مطالعات انجام شده نشان می دهد ماوراءالنهر در سده های پنجم و ششم هجری شاهد فعالیت های علمی بوده است. فراوانی کتب فقهی به جا مانده از سده ششم به ویژه در فقه حنفی از فعالیت های گسترده آن در دانش فقه حکایت می کند و مکتب کلامی اشعری و ماتریدی که عالمانی آن را ترتیب دادند و وجود شاعران و نویسندگانی چون محقق بخارایی، نظامی عروضی، سمرقندی، سدیدالدین عوفی، اندک آثار معماری به جا مانده مانند مناره های گلان، اوزکند، همچنین مطالعات باستان شناسی و قراین دیگر، همه نشان دهنده پویایی ماوراءالنهر در عصر پس از سقوط سامانیان است.

فصل اول کتاب به کلیات می پردازد و در فصل دوم، جغرافیای تاریخی ماوراءالنهر در این سده بررسی شده است. فصل سوم به بررسی مختصر وضع سیاسی و حکومتی این منطقه از زمان سامانیان تا هجوم مغول اختصاص دارد و به طور عمده به سلسله قراخانیان معطوف است. در فصل چهارم و پنجم از نهادهای آموزشی و علوم بحث شده است. علوم گوناگونی در این زمینه چون علوم دینی، ادبی، طبیعی و... مورد توجه بوده است. ادیان و فرق اسلامی در فصل ششم و معماری و هنر در فصل هفتم و امور دیوانی، اقتصادی و طبقات اجتماعی در فصل پایانی مورد توجه قرار گرفته اند.

نویسنده در مقدمه کتاب یادآور شده است: شکل ساختاری پژوهش در فصل های چهارم، پنجم، ششم و بخشی از فصل هشتم از کتاب تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان تألیف

درباره یاد خدا سخن می گوید و مواردی را که شایسته یاد خداوند است، برمی شمرد و آن گاه به تبیین آثار یاد خدا می پردازد. بحث دیگر این فصل، درباره بینش تاریخی است که نویسنده معتقد است: آیات و روایات در صدد دادن چنین بینشی به انسان هستند. بینش تاریخی، انسان را با نکاتی آشنا می سازد و ناپایداری مراحل تاریخی، یگانگی مسیر و حتمی بودن پیروزی نهایی، از جمله درس های تاریخ است.

فصل سوم درباره «ساحت عاطفی با خطوط بندگی» است. این فصل چگونگی جهت گیری عواطف انسانی را در مسیر بندگی و خودسازی بیان می دارد. فصل سوم مشتمل بر مباحثی این چنین است: نقش قوای درونی در زندگی، قوای درونی از دیدگاه اسلام، کنترل عواطف دینی، دوستی خدا و نتایج و آثار آن، حس همدردی، ارتباط قلبی با خداوند، پارسایی، پیوند عاطفی با دین و... .

فصل چهارم با عنوان «رابطه ساحت اراده با اخلاق بندگی» به چنین مباحثی می پردازد: دوگانگی شخصیتی، دوگانگی و نفاق، دوگانگی آشکار و پنهان، پای بندی عملی به اسلام، پایداری و توجیه گری، فهم اجتماعی و سیاسی از دین، اقسام صبر، اخلاص، توکل، تصمیم و توکل، تدبیر بدون عمل و عمل بدون تدبیر و... .

فصل پنجم با عنوان «ابزارهای پرورش روحی» پایان بخش مباحث کتاب است. در این فصل نویسنده شهید کتاب، برای تربیت روحی، هفت راهکار را نشان می دهد که عبارت اند از: شب زنده داری، ذکر کثیر حق، تلاوت قرآن کریم و تدبیر در آن، محیطهای مذهبی، فرهنگ ایمانی، روزه داری، محاسبه و نقد درونی، اعتکاف.

شهید معن در کتاب خود به وفور به آیات و روایات استناد می جوید و به شرح و تبیین آنها می پردازد.

◀ فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر: از سقوط سامانیان تا برآمدن مغولان

علی غفرانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع))، چاپ ۱، ۱۳۸۷، ۵۹۲ ص، رقعی.

سرزمین ماوراءالنهر در شمال خراسان واقع بود و رود جیحون، آن را از خراسان جدا می کرد. این منطقه، بخش انتهایی ایران قدیم بود که اعراب مسلمان در سال های پایانی قرن اول هجری (۹۲-۸۵ ق) در دوران خلافت ولیدبن عبدالملک

دکتر ناجی الگوبرداری شده است.

◇ بازگشت به میناگرایی سنتی با آثاری از ریچارد فومرتن، لورنس

بونجور، جان پالوک و الوین پلنتینگا،

ویراسته مایکل آر. د پاول، ترجمه رضا صادقی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی)، چاپ ۱، ۱۳۸۷، ۲۷۲ ص، رقعی.

نظریه میناگرایی نظریه‌ای پرطرفدار در قلمرو معرفت‌شناسی است و از دیدگاه بسیاری از متفکران، اعتبار معرفت‌های انسانی وابسته به اعتبار این نظریه است. با وجود ایراد نقدهایی بر این نظریه، ویژگی‌های این نظریه موجب شده تا همچنان محور بحث‌های جدی در معرفت‌شناسی باشد. تاکنون تفسیرهای مختلفی از این نظریه ارائه شده که در کتاب پیش رو، ضمن نقد تفسیر پیشینیان، تفاسیری جدید هم بحث و بررسی شده است. مترجم اثر، دکتر رضا صادقی، تلاش کرده است این دیدگاه‌های جدید را با برداشتی از میناگرایی بر اساس مبانی حکمت متعالیه مقایسه کند.

چنان‌که از عنوان کتاب برمی‌آید، کتاب حاضر دربردارنده مقالاتی از چهار فیلسوف تحلیلی معاصر است. این مقالات حاصل نشست علمی است که در زمستان ۱۹۸۸ برگزار شد و در سه بخش تنظیم یافته است: در بخش نخست، فومرتن و بونجور دیدگاه خود را تبیین می‌کنند. در بخش دوم، پالوک و پلنتینگا به نقد دیدگاه آن دو تن می‌پردازند و در بخش پایانی به نقدهای این دو پاسخ می‌گویند.

مترجم اثر، مقدمه‌ای مبسوط در این زمینه ارائه می‌دهد و سپس سخن ویراستار متن انگلیسی اثر می‌آید. در ادامه، چنان‌که اشاره شد، مباحث کتاب اصلی کتاب در سه بخش ذکر می‌شود: بخش اول، تحت عنوان «دفاع از میناگرایی سنتی»، دو فصل را در خود جای داده است: فصل ۱: میناگرایی کلاسیک، فصل ۲: به سوی دفاعی از میناگرایی تجربی. فصل‌های ۳ و ۴ در بخش ۲ آمده و این بخش، با عنوان «نقدها» مباحث را پی می‌گیرد. بخش سوم، تحت عنوان «پاسخ‌ها» و در دو فصل، به پاسخ فومرتن و بونجور به پالوک و پلنتینگا پرداخته است.

◇ قواعد فقه سیاسی

روح‌الله شریعتی؛ چاپ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی)، ۱۳۸۷، ۴۶۴ ص، رقعی.

فقه سیاسی به عنوان یکی از عرصه‌های فقه، و وظیفه پاسخگویی به احکام مکلفین اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی در این عرصه را دارد و روشن است اشخاص حقیقی (افراد) در زندگی سیاسی خویش به ویژه با حاکمیت ارتباط متقابل دارند و

دارای احکام، حقوق و تکالیفی هستند؛ چنان‌که اشخاص حقوقی همچون گروه‌ها، احزاب، سازمان‌ها و... در روابط متقابل با یکدیگر و مردم، احکام، حقوق و تکالیفی دارند و فقه سیاسی موظف به تبیین دیدگاه شریعت در تمامی این موارد است و بی‌شک، فقیه جامع‌الشرایط و آگاه به زمان که به استنباط احکام الهی در عرصه سیاست می‌پردازد، موظف است قواعد سیاسی را کشف کند و پس از تبیین صحیح معنا و مفهوم و قلمرو آنها، برای انطباق جزئیات موضوعات و مسائل سیاسی با آنها، قواعد مزبور را در اختیار مکلفان اعم از مردم و کارگزاران نظام اسلامی قرار دهد؛ اما باید توجه داشت فقه سیاسی پاسخگوی حوادث واقع است و موضوعات آن با تغییرات و تحولات زمان تغییر می‌پذیرد و این تحولات با معضلات و پیچیدگی‌های فراوانی همراه است؛ بدین روی، تسریع در پاسخگویی ضروری می‌نماید. کشف قواعد سیاسی بهترین روش برای رسیدن به این هدف مهم است؛ چه سرعت، سهولت و عدم نیاز به واسطه در دستیابی به حکم الهی، از ویژگی‌های این قواعد است؛ به علاوه، قواعد سیاسی چارچوب‌هایی نیز برای فقه سیاسی ایجاد می‌کند که به همسویی و یکسان‌سازی روابط حاکمان و مردمان کمک می‌کند.

فقیهان با کشف این قواعد از منابع فقه و تبیین و توضیح بیان قلمرو و موارد کاربرد قواعد در عرصه فقه سیاسی، می‌توانند حاکمان و اندیشوران و قانونگذاران را با این قواعد آشنا سازند؛ البته قواعد فقه سیاسی را نمی‌توان به تعدادی مشخص، محدود ساخت؛ چه فقه سیاسی پاسخگوی حوادث واقع است و به مرور زمان، موضوعات مورد ابتلا متحول و فهم فقیهان از منابع فقه و قواعد نیز بیشتر می‌شود. کشف برخی از قواعد در فرایندی تدریجی قابل دستیابی است و از این رو، فقیه باید تلاشی مستمر داشته باشد.

اثر حاضر برخی از قواعد فقه سیاسی را تبیین کرده است:

بخش اول

در بخش اول، مباحث کلی درباره قواعد فقهی به ویژه فقه سیاسی و ارتباط عرف و قواعد، ارائه شده است. این مباحث در دو فصل آمده است.

بخش دوم

این بخش با عنوان «عرصه‌های قواعد فقه سیاسی»، شامل پنج فصل است: فصل اول، تعدادی از قوانین عام همچون قواعد اهم و مهم، رجوع به خیر، ملازمه بین حکم عقل و شرع، ضرورت و... را برمی‌شمارد و تبیین می‌کند.

فصل دوم، قواعد فقه سیاسی را در عرصه سیاست می‌آورد و این قواعد را شرح و توضیح می‌دهد: قاعده عدم ولایت بر

نماید. نویسنده کتاب حاضر با احساس چنین ضرورتی در صدد ارائه دیدگاه فقه شیعه در این زمینه است. وی ادله فقه سیاسی را ارائه کرده است و روش‌ها و نظریات فقه شیعه را در حوزه‌های چهارگانه کسب قدرت، اعمال قدرت، توزیع قدرت و گردش قدرت در بوته تحقیق و بررسی نهاده است.

بدین منظور نویسنده کتابش را بر پنج بخش استوار ساخته است:

بخش اول: کلیات

بخش حاضر، به مفهوم شناسی می‌پردازد و معانی نظارت، کنترل، ارزیابی، قدرت، اقتدار و فقه سیاسی را تبیین می‌کند. در ادامه، مصادیق نظارت، مبانی و ادله نظارت و ملاک‌های نظارت بررسی شده است.

بخش دوم: نظارت در مرحله کسب قدرت

در این بخش، اوصافی لازم و خاص حاکم ارائه گشته است و درباره انتخاب کارگزار شایسته، بیعت و آرای عمومی و اعتبار آرای عمومی در فقه شیعه بحث شده است و از ولایت انتصابی فقیه، ولایت انتخابی فقیه و وکالت فقیه و مسئله اکثریت در قرآن سخن به میان آمده است.

بخش سوم: نظارت در مرحله اعمال قدرت

رئوس مباحث این بخش عبارت‌اند از: اصل پاسخگویی حاکم، بررسی مقدمات چندگانه پارادوکس نظارت و انتصاب، نظارت درونی، نظارت بیرونی، بررسی عناصر نظارتی قدیم و جدید، محدوده نظارت و به تبع آن مطبوعات و احزاب و ادله موافقان و مخالفان.

بخش چهارم: نظارت در مرحله توزیع قدرت

نویسنده در این بخش، این مباحث را جای داده است و مباحث مربوط به هر یک را بررسی کرده است: اصل تفکیک قوا و نظریات این باب، نظارت بر کارگزاران (مجریه)، راهکارهای نظارتی، قوه مقننه و قوه قضاییه.

بخش پنجم: نظارت در مرحله گردش قدرت

عناوین این بخش عبارت‌اند از: ۱. حاکم (ولایت انتصابی فقیه، ولایت انتخابی فقیه و محدودیت زمان ولایت، شرایط رهبری، نظارت در مرحله گردش بر اساس قانون)، ۲. کارگزاران (عزل کارگزاران با مرگ حاکم).

◇ مفهوم‌شناسی فلسفه سیاسی مشا

مرتضی یوسفی‌راد، چاپ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی)، ۱۳۸۷، ش، ۱۶۸، ص، رقی. در فلسفه سیاسی این سؤالات مطرح می‌شود که سرشت انسان چیست؟ چه آلامی دارد؟ چگونه می‌توان به آلام او پاسخ گفت؟ زندگی خوب و سعادت‌مندانه چیست؟ نظم مطلوب کدام است و

غیر، قاعده مساوات، قاعده شورا، قاعده مصلحت، قاعده تقیه، قاعده نفی سبیل، قاعده حرمت کمک به گناه و تجاوز. نویسنده در هر یک از این قواعد، به بیان مفاد قاعده، دلایل و مستندات، گستره و کاربرد قاعده می‌پردازد.

در فصل سوم، قواعد مربوط به عرصه اجتماعی آمده است که عبارت‌اند از: قاعده عدالت، قاعده حفظ نظام، قاعده وفای به عقود، قاعده نفی عسر و حرج، قاعده وجوب تعظیم شعائر الهی و حرمت اهانت به آنها، قاعده تعاون، قاعده تقدم ولایت خاصه بر ولایت عامه، قاعده دعوت، قاعده تألیف قلوب، قاعده جُبّ، قاعده الزام، قاعده درء، قاعده تولا و تبرا.

فصل چهارم، درباره قواعد مربوط به حوزه اقتصاد است و مشتمل بر این موارد می‌باشد: قاعده سلطنت، قاعده احسان، قاعده «من له الغنم فعليه الغرم»، قاعده سوق المسلمین.

و در عرصه امنیتی و نظامی نیز قواعدی مطرح شده که نویسنده به این قواعد اشاره کرده است: قاعده حرمت جان مسلمان، قاعده احترام مال و عمل مسلمان، قاعده امان، قاعده مصونیت سفرا، قاعده صلح و قاعده مقابله به مثل.

پژوهشگر کتاب در تمام این قواعد، مفاد، دلایل، مستندات، قلمرو و کاربرد قاعده را می‌کاود.

◇ نظارت بر قدرت در فقه سیاسی

سیدسجاد ایزدهی، چاپ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی)، ۱۳۸۷، ۳۲۰، ص، رقی.

حکومت و حکومت داری لازمه ادامه حیات و اداره جامعه است؛ اما صاحبان قدرت از رهگذر امکانات و اختیاراتی که دارند، در معرض آفات بزرگی چون: ظلم و ستم، مال‌اندوزی، خودکامگی، غصب اموال و... قرار دارند؛ البته به باور نویسنده کتاب حاضر، این امر بر خلاف نظر برخی بدین معنا نیست که قدرت با فساد همراه و ملازم باشد؛ هرچند نمی‌توان گفت «قدرت به سوی فساد روی دارد»، اما در یک صورت این سخن درست است و بیراه نیست و آن زمانی است که قدرت در دست کسانی باشد که از اخلاق و وجدان سالم و اوصاف ارزشمند اخلاقی تهی باشند و در این صورت سوء و فساد، لازمه حکومت و حاکم خواهد گردید.

اندیشمندان برای جلوگیری از فساد قدرت و حکومت، در صدد یافتن سازوکاری بوده‌اند که با نظارت بر حاکمان، موانع سوء استفاده آنان گردند. فقه شیعه خالی از مباحثی مدون در مورد راهکارهای نظارت بر قدرت سیاسی است؛ زیرا قرن‌ها، حکومت شیعی تشکیل نیافته بود تا ضرورت چنین مباحثی رخ

چگونه می‌توان به آن رسید؟ چگونه می‌توان قدرت را کنترل کرد تا به ظلم و استبداد نینجامد؟ فیلسوفان سیاسی مسلمان نیز در چارچوب و نظام معرفتی اسلام از عالم هستی، حیات انسان و غایت آن که در دوره اسلامی شکل گرفته بود، به تبیین آموزه‌های سیاسی پرداختند.

فلسفه سیاسی اسلامی با فارابی تأسیس شد و با ابن سینا، سهروردی و صدرالمتألهین تکمیل گشت و تداوم یافت و گرایش‌های سه‌گانه‌ی مشاء، اشراق و متعالیه پدید آمد. تمایز این سه گرایش چنین بود که توجه مشائیان به روش عقلی و امکان جمع میان عقل و وحی در شناخت حقایق هستی، و توجه اشراقیان به روش شهودی و منبع دل و توجه متعالیه به روش وحیانی و شهودی و عقلی و منابع معرفتی سه‌گانه و جمع میان آنهاست.

در پژوهش حاضر بیشتر از فلاسفه مشائی شرق تمدن اسلامی بحث می‌شود و فلاسفه غرب تمدن اسلامی، به جز ابن رشد، نقش اندکی در رشد و تحول فلسفه و فلسفه سیاسی اسلامی داشتند؛ زیرا دسته دوم، از جمله ابن باجه، امکان تحصیل سعادت را در زندگی اجتماعی نمی‌دیدند و از این رو، ضرورتی برای شکل‌گیری علم مدنی که هدف آن تحصیل سعادت در مدینه است، ندیدند و در نهایت فیلسوفان فردگرا گشتند. چارچوب تحلیلی این کتاب بر اساس دیدگاه لئو اشتراوس درباره اصالت فلسفه اسلامی است. به اعتقاد اشتراوس، فیلسوفان اسلامی با هدف تبیین عقل از وحی، به تولید مفاهیم خاصی چون نبوت برآمدند و مفاهیم عقلی یونانی را که قادر به توضیح و تبیین عقلی آموزه‌های وحیانی بودند، به خدمت گرفتند. به نظر وی، دولت ایده‌آل و مطلوب فلسفه اسلامی، دولت پیامبر بود، نه دولت مثالی افلاطونی یا دولت مطلوب ارسطویی. فیلسوفان اسلامی وحی را قانون الهی و یقینی می‌دانند و در تبیین عالم هستی و قوانین و قواعد زندگی، منبع اصلی را وحی قرار می‌دهند و از قوانین و قواعد فلسفه یونانی برای فهم وحی استفاده می‌کنند. در نگرش اشتراوس، در اثر میزان تأثیرگذاری وحی بر فلسفه اسلامی، هم شاهد تحول برخی مفاهیم هستیم، به طوری که در فلسفه اسلامی بار معنایی متفاوت از فلسفه یونانی گرفتند و هم شاهد تولید و ابداع مفاهیمی جدید.

بنابراین فلسفه اسلامی ضمن برخورداری از اصالت، به جهت صورت‌پذیری اولیه از فلسفه یونانی و اخذ روش عقلی از آن، ابتدا با گرایش مشائی آغاز به کار می‌کند و فیلسوفان شاخص آن: کندی، فارابی و ابن سینا، همین روش را در دو حوزه فلسفه عام و فلسفه سیاسی به کار می‌گیرند.

نویسنده در تبیین موضوع کتاب، در قالب دو فصل، کتاب خود را تدوین کرده است: فصل اول، به مفاهیم پایه اصلی

فلسفه سیاسی مشاء می‌پردازد و فصل دوم، به مفاهیم پایه عرفی آن. فصل اول مشتمل است بر مباحثی چون: سعادت قصوا، ریاست و سیاست فاضله، انواع سیاست و انواع ریاست، هدف و وظایف سیاست، مدینه فاضله، مقایسه مدینه فاضله در تفکر اسلامی و یونانی. فصل دوم کتاب از این مفاهیم بحث می‌کند: نبی (و امام)، علم مدنی، انواع طبقه‌بندی علم مدنی، انسان مدنی، عدالت، قانون، تعاون، محبت و ...

◇ سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه

دفتر اول: نشست‌ها و گفتگوها

به اهتمام شریف لکزایی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی)، چاپ ۱، ۱۳۸۷، ش، ۵۵۲، ص، وزیری.

به باور برخی پژوهشگران، اگر صدرالمتألهین موفق به تأسیس حکمت سیاسی متعالیه نشد، ولی در حوزه سیاست می‌توانیم حکمت متعالیه‌ای که او تأسیس کرد، به ظرفیت برسانیم تا به حکمت سیاسی متعالیه دست یابیم.

کتاب حاضر که حاصل گفتگوی استادان و صاحب‌نظران است، محور عمده بحث و تبیین وجوه اجتماعی-سیاسی حکمت متعالیه و نشان دادن پاره‌ای از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های این حکمت برای ورود به حوزه اجتماعی-سیاسی بوده است. اهم نکات این نشست‌های علمی، عبارت‌اند از:

۱. اکثر استادان معتقدند حکمت متعالیه ظرفیت و توانایی تأسیس فلسفه سیاسی متعالیه را دارد.

۲. به باور برخی استادان، حکمت متعالی در شمار مبانی است و طبق این مبانی، می‌توان به پرسش‌ها و نیازهای امروز خود در فلسفه سیاسی پاسخ گفت.

۳. محققان بسیاری پذیرفته‌اند که صدرالمتألهین دارای اندیشه سیاسی است.

۴. وجه تمایز حکمت متعالیه از حکمت‌های مشاء و اشراق، حضور مباحث عرفانی در حکمت متعالیه است.

۵. نظریه حرکت جوهری و قابلیت‌های سیاسی و اجتماعی آن و نیز بحث انسان‌شناسی و تأمل در اختیار آدمی، در اغلب این نشست‌ها مورد توجه و تأکید بوده است.

گفتنی آنکه: این کتاب بازتاب اندیشه‌هاست و نه، نقد و بررسی و صحت و سقم آنها، که مجال دیگری می‌طلبد.

مباحث کتاب در طی سه بخش، سامان گرفته است:

در بخش اول، متن کامل پنج نشست با آیت‌الله جوادی آملی، با عنوان «سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه» آمده است. بخش دوم به گفتگو با صاحب‌نظران، ظرفیت‌ها و

توانایی های سیاسی و اجتماعی حکمت متعالیه می پردازد. بخش سوم، مشتمل بر سه نشست درباره مباحث مربوط به ایران معاصر و انقلاب اسلامی است.

◊ شناخت نامه شیخ بهاء الدین عاملی (مجموعه مقالات و گفتارهای فارسی)

به کوشش علی اکبر زمانی نژاد؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (مرکز احیای آثار اسلامی)، چاپ ۱، ۱۳۸۷، ش، ۶۰۰، ص، و زبیری.

چندی است دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در پاسداشت عالمان بزرگ عالم تشیع، بلکه عالمان اسلام، به برگزاری همایش هایی همت می گمارد که کاری درخور ستایش است؛ چه این امر باعث شناساندن نسل امروز با عالمان بزرگ گذشته است که نقشی به سزادر پیشرفت فرهنگ و علوم اسلامی داشته اند و از سویی، با احیای آثار آنان، زمینه حفظ میراث معنوی و علمی نیز فراهم می آید. شیخ بهاء الدین عاملی معروف به شیخ بهایی در شمار چنین عالمانی است. او از فقهای برجسته عصر صفوی است که آثار و تألیفات بسیار ارزشمندی هم برجای گذاشته است.

با برگزاری کنگره بزرگداشت شیخ بهاء الدین عاملی، دست اندرکاران آن اقدام به چاپ و نشر شناخت نامه ای در سه جلد کردند که به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی بوده است. در این شناخت نامه ها، منابع اولیه و تحقیقات انجام شده تا کنون درباره شیخ بهایی و خانواده اش گردآوری شده و اثر حاضر، یکی از سه جلد شناخت نامه یادشده است که مهم ترین تحقیقات اسلام شناسان و شرح حال نگاران و پژوهشگران فارسی زبان و صفویه پژوهان را در این زمینه در خود جای داده است.

شناخت نامه حاضر، دارای چهل مقاله از منابع گوناگون است که در اینجا به ذکر نام مقالات و نویسندگانشان اکتفا می کنیم و علاقه مندان را برای آگاهی بیشتر از محتوای پژوهشگران مقالات، به کتاب ارجاع می دهیم. این مقالات و نویسندگان به ترتیب عبارت اند از:

۱. شیخ بهایی و پدرش در عالم آرای عباسی، اسکندریگ ترکمان؛
۲. شیخ بهایی و خاندانش در تذکره نصرآبادی، محمدطاهر نصرآبادی؛
۳. شیخ بهایی در آتشکده آذر، لطفعلی بیک آذر بیگدلی؛
۴. شیخ بهایی در مجمع الفصحاء، رضا قلی خان هدایت؛
۵. شیخ بهایی و پدرش در محافل المؤمنین، محمدشفیع حسینی عاملی؛
۶. شیخ بهایی در خلد برین، محمدیوسف واله اصفهانی؛
۷. شیخ بهایی در تذکره خیرالبیان، ملک شاه حسین سیستانی؛

۸. شیخ بهایی در ریحانة الادب، محمدعلی مدرس تبریزی؛
۹. شیخ بهایی و خاندانش در الفوائد الرضویه، حاج شیخ عباس قمی؛

۱۰. شیخ بهایی در ریاض الجنه، میرزا حسن زنوزی؛
۱۱. تذکره مجمع الخواص و شیخ بهایی، صادقی کتابدار؛
۱۲. شیخ بهایی و قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی؛
۱۳. بهاء الدین عاملی یا شیخ بهایی، عبدالعزیز جواهرکلام؛
۱۴. یادداشت های مینوی درباره شیخ بهایی، مجتبی مینوی؛
۱۵. شیخ بهایی، کاظم مدیر شانه چی؛

۱۶. شرح احوال و ذکر آثار و نقل افکار شیخ بهایی، دکتر محسن جهانگیری؛

۱۷. زندگی سیاسی شیخ بهایی، ابو الفضل سلطان محمدی؛
۱۸. طوطی نامه منسوب شیخ بهایی، سیدعلی آل داود؛
۱۹. شیخ بهایی، روحانی نامدار عصر، گفتگو با علی دوانی؛
۲۰. دو نکته مربوط به شرح حال شیخ بهایی، ابراهیم برهان آزاد؛
۲۱. شیخ بهاء الدین محمدعاملی، مهدی اخوان ثالث (م. امید)؛
۲۲. شیخ بهایی و میرداماد، کیوان سمیعی؛

۲۳. چهره شیخ بهایی و میرفندرسکی، محمدعلی خسروی؛
۲۴. شیخ بهایی در فرهنگ نامه چهره های برتر تاریخ ایران، علی معصومی؛

۲۵. شیخ بهایی عارف و عالم، شمس الدین صولتی دهکردی؛
۲۶. از سینه به سینه، محمدعلی علومی؛
۲۷. بهاء الدین عاملی، محمدحانی ملازاده؛
۲۸. شیخ بهایی در کتاب «شاه عباس» نصرالله فلسفی، ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی؛

۲۹. مؤلفات و مصنفات شیخ بهایی، محمدرضا زادهوش؛
۳۰. کشکول نیاز و رهاورد اهل راز، عزیزالله کاسب؛
۳۱. شیخ بهایی از ریاضی دانان دوره اسلامی، ابوالقاسم قربانی؛
۳۲. مقام شیخ بهاء الدین عاملی در دانش سمائی، دکتر ابوالفضل نبشی؛

۳۳. همخانه حکمت، همسایه شعر، گفتگو با سیدعباس حسینی قائم مقامی؛

۳۴. مسئله ای ریاضی از کشکول شیخ بهایی، محمد باقری؛
۳۵. شکوایه سبز، دکتر محمود مهدوی دامغانی؛
۳۶. سی سال سفر، عبدالکریم باقی، ترجمه مهرداد آزاد؛
۳۷. شیخ بهایی و کشکول او، جی. استوارت، ترجمه حسین معصومی همدانی؛

۳۸. شرح حال شیخ بهاء الدین عاملی، جی. استوارت، ترجمه محمدکاظم رحمتی؛
۳۹. مفتاح الفلاح شیخ بهایی، محمودملکی تراکمه ای؛